

امنیت قضایی

■ چکیده

هدف از این مقاله، روشن ساختن ابعادی چند از مفهوم امنیت قضایی است. اگر چه کاربرد این واژه در نوشته‌های امروزی، رو به فزونی نهاده است، با این وصف به نظر می‌رسد که درک روشن و دقیقی از این واژه در میان عامه مردم و حتی اصحاب قضا و کارشناسان امر، وجود ندارد. از این رو نویسنده در ابتدا به تشریح برخی تعاریف داده شده از امنیت قضایی پرداخته و پس از بررسی و نقد آنها، تعریف جامعی را پیشنهاد داده است، در پایان نیز ضمن بررسی مورد پرونده «خفافش شب» از وجود یا نبود امنیت قضایی در رسیدگی به این پرونده سخن گفته است. هدف مؤلف در این نوشتار آن بوده تا با ارایه شاخصهای حقوقی مشخصی، ضمن کمی کردن مفهوم انتزاعی «امنیت قضایی»، میزان قابلیت آن را در تحلیلهای حقوقی جاری به نمایش گذارد.

■ فهرست مطالب

مقدمه	۵۰
الف - قضا به مثابه سیستم	۵۱
ب - چستی امنیت قضایی	۵۶
ج - مصداق پژوهشی: پرونده خفافش شب	۵۸
نتیجه‌گیری: محورهای اصلی پژوهش در امنیت قضایی	۶۱
یادداشتها	۶۴

■ کلید واژه‌ها

حقوق
امنیت
جمهوری اسلامی ایران
شهروند

مقدمه

"دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است... [به] تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون اساسی" (اصل ۳ - بند ۱۴)

برخی از صاحب نظران بدون آن که تعریف مشخصی از امنیت قضایی انجام دهند، به بررسی مصادیقی از شاخصهای امنیت قضایی و یا بررسی علل و نمونه های فقدان امنیت قضایی پرداخته اند. مهرانگیر کار در مقاله ای با عنوان «امنیت قضایی زنان در ایران» (۱)، به بررسی وضعیت امنیت قضایی زنان در جامعه ایران پرداخته است. این مقاله بدون این که تعریف مشخصی از واژه امنیت قضایی به دست دهد، به بررسی برخی از مصادیق و نهادهای موجود در قوانین ایران می پردازد که از نگاه وی، بر هم زننده امنیت قضایی زنان می باشد. دکتر سیدمحمد هاشمی نیز تعریف مشخصی از این مفهوم نمی کند. با این وصف ایشان به بیان برخی از نهادهای امنیت قضایی در حقوق ایران می پردازد. (۲) ایشان همچنین قاضی و قانون را تأسیساتی می داند که تأمین کننده آزادی و امنیت هستند. (۳) به باور کامیز نوروزی، امنیت قضایی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد دادگاهها در به کار بستن ضمانتهای اجرایی قانون، به ترتیبی که شهروندان را قبل از نقض قوانین و تعهداتشان، از آن عمل باز دارد. (۴)

آیت الله شریعتمدار جزایری اعتماد شهروندان به قوه قضاییه توانمند و سالم و احترام و التزام به قانون و تساوی تمام افراد جامعه در برابر قانون را، امنیت قضایی می داند. (۵) ایشلن با بیان لزوم جهت گیری عادلانه سیستم قضایی، به برخی از قواعد شکلی مورد

نیاز برای برقراری امنیت قضایی اشاره می‌کند (۶) آیت‌الله یزدی، امام جمعه موقت تهران نیز در یکی از خطبه‌های نماز جمعه خویش، اقدام به تعریف امنیت قضایی می‌کند. از نگاه وی: امنیت قضایی به معنی داشتن اطمینان به این که قاضی براساس قانون عمل کرده و اگر کسی شکایت دارد می‌تواند شکایت کند تا رسیدگی شود... (۷)

بررسی تعاریف و رویکردهای پیش‌گفته، بیانگر این واقعیت است که نگاه روشن و دقیقی به مفهوم امنیت قضایی در میان صاحب‌نظران وجود ندارد. این در حالی است که مفهوم «امنیت قضایی» عیناً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وارد گردیده است.

الف - قضا به مثابه سیستم

اکنون و به قصد بررسی دقیق‌تر مفهوم امنیت قضایی، به تشریح نظام قضایی کشور می‌پردازیم. اگر نظام قضایی کشور را یک سیستم در نظر آوریم، می‌توانیم با بهره‌گیری از مدل‌های تجزیه و تحلیل سیستمی به بررسی دقیق‌تری از این سیستم نایل شویم. بر این اساس با مفاهیمی مانند نظام یا سیستم^۱، اهداف^۲، ورودیها^۳، عملکرد یا فرآیند عمل^۴ و خروجیها^۵ روبرو خواهیم شد. بدین ترتیب ترکیبی مفهومی را در اختیار داریم که متشکل از اهداف، ورودیها، عملکرد و خروجیهای یک سیستم، می‌باشد. (۸)

هر آن چه را که بتوان سیستم یا نظام نام نهاد، می‌توان براساس این جدول به بحث و بررسی درآورد. هر نظام، واجد برخی اهداف است و برای انجام دادن اعمال خویش در رسیدن به اهداف موردنظر، نیاز به برخی داده‌ها به مثابه ورودی دارد. نتیجه و محصول عملکرد نظام نیز در قالب برخی نتایج (تحت عنوان خروجی) نمایان می‌شود.

فرآیند قضا و نظام قضایی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این زاویه نظام قضایی را نیز همانند هر سیستم دیگری می‌توان براساس اهداف، ورودیها، عملکرد و خروجیهایش، شناسایی کرد.

۱- اهداف نظام قضایی کشور

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهداف نظام قضایی کشور را می‌توان

1- System

2- Goals

3- Inputs

4- Processing mechanism

5- Outputs

شامل تأمین حقوق همه جانبه افراد (بند ۱۴ از اصل سوم) و پاسداری از حقوق مردم (مقدمه قانون اساسی) دانست. این امر از طرق زیر محقق می‌شود:

- ۱- پیگیری و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیبات، شکایات و حل و فصل دعاوی و رفع خصومات (اصل ۱۵۶- بند ۱)
- ۲- اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند (اصل ۱۵۶- بند ۲)

در صورتی که تأمین حقوق افراد از طریق رفع خصومت و اختلاف میان اصحاب دعوی باشد، با مصادیق بند اول از اصل ۱۵۶ مواجه خواهیم بود. اما اگر تأمین حقوق افراد و پاسداری از حقوق مردم از طریق اخذ تصمیم و بدون اقامه دعوی از جانب کسی باشد، با مصادیق حسبه (بند دوم از اصل ۱۵۶) سروکار خواهیم داشت (۹).

در حالت اول، قوه قضاییه از طریق صدور رأی و اعطای حقوق به ذیحق اقدام به رفع خصومت خواهد کرد. همچنین این قوه از طریق مرادی چون مثلاً نصب قیّم برای برخی افراد که فاقد ولی خاص می‌باشند (موضوع ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی) اقدام به تأمین و حفظ حقوق (اموال) ایشان می‌نماید. اقدام قوه قضاییه در مورد اخیر، اصولاً نیازی به شکایت شاکی و ادعای مدعی ندارد و این قوه رأساً و براساس ترتیبات مقرر شده، نسبت به پیگیری امر و صدور حکم اقدام می‌کند.

۲- ورودیهای نظام قضایی شاخه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ورودیهای نظام قضایی کشور متعددند. مصادیقی از ورودیهای نظام قضایی کشور را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

۲-۱- مردم: مردم در جایگاه طرفین اختلاف و یا کسانی که به نحوی با امور حسبیه مربوط هستند از جمله ورودیهای قوه قضاییه به شمار می‌روند. به عبارت دیگر تا قبل از مراجعه مردم، یعنی طرفین اختلاف، فرآیند قضاء شکل نخواهد گرفت. همچنین می‌توان از نمایندگان مردم (وکلا) ایشان) نیز به مثابه بخشی از ورودیهای فرآیند قضاء یاد کرد. این نمایندگان (وکلا) فقر دانش و تجربه مردم در برخورد با قوه قضاییه را جبران می‌کنند.

۲-۲- وابستگان قضایی و اداری قوه قضاییه: قضات، وابستگان اداری دادگاهها، دادستانها، کارشناسان رسمی، ضابطین قوه قضاییه و اعضای هیأت منصفه (در جرایم

سیاسی و مطبوعاتی - اصل ۱۶۸) از جمله مصادیق وابستگی قضایی و اداری قوه قضاییه هستند. این افراد در مقام بخشی از ورودیهای قوه قضاییه تأثیر زیادی در شکل‌گیری فرآیند قضاء و تأمین و یا عدم تأمین اهداف نظام قضایی دارند.

۲-۳- قوانین و دیگر مقررات لازم‌الاجراء: قضاوت نیاز به برخی احکام کلی دارد که در دولتهای امروزی آن را مراجع دیگری (قوای مقننه) تهیه و در اختیار دادگاهها و قوه قضاییه قرار می‌دهند. این متون که مبنای عمل، رفتار و احکام قضات هستند، شامل موارد زیر می‌باشند:

الف - قوانین مربوط به تعریف حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی. مجموعه قوانینی مانند قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی و بسیاری دیگر از قوانین ریز و درشت را می‌توان در این ردیف شمارش کرد. در واقع چه در امور حسیه و چه در امور ترافعی، این گروه از قوانین هستند که مشخص می‌کنند که چه کسی صاحب حق است. (از این مجموعه از قوانین می‌توان به قوانین ماهوی تعبیر کرد).

ب - قوانین شکلی مربوط به صلاحیتها و آداب رسیدگی. مقررات مربوط به آیین دادرسی و تعیین صلاحیتهای ذاتی و نسبی دادگاهها و شیوه رسیدگی در دادگاهها، در این طبقه از قوانین و مقررات جای می‌گیرند؛ این که دادگاهها چگونه طبقه‌بندی می‌شوند، کدام دادگاهها به کدامین اختلاف رسیدگی می‌کند، شیوه و تشریفات رسیدگی چیست؟ سلسله مراتب دادگاهها چگونه است و نظام نقض و ابرام احکام قضایی چیست؟، به کمک قوانینی مشخص می‌گردد که آنها را قوانین شکلی نام می‌نهم.

ج - قوانین مربوط به نظام اداری در درون نظام قضایی، نحوه استخدام وابستگی قضایی و اداری دادگاهها و غیره.

۳- فرآیند قضا

مرحله اصلی در نظام قضایی کشور، انجام گرفتن فعالیتی است که آن را قضاوت می‌نامیم. رسیدگی قاضی به مسأله مورد اختلاف، شامل برخی مراحل تشریفاتی (و مهم) و برخی فعالیتهای ذهنی است که آن را قاضی انجام داده و در انتها به صدور حکم منتهی می‌شود. قاضی براساس برخی ورودیهای نظام قضایی (قوانین شکلی) به برخی دیگر از این ورودیها (قوانین ماهوی) مراجعه می‌کند تا موضوع اختلاف میان طرفین دعوی را با آنها منطبق ساخته و بتواند به شناسایی صاحب حق و تأمین حقوق وی اقدام نماید. ممکن است که مرحله جمع‌آوری ادله و تحقیق را نیز در جرگه همین مرحله

(فرآیند قضاء) طبقه‌بندی کنیم. با این وصف به نظر می‌رسد که مراحل جمع‌آوری ادله، تحقیقات مقدماتی و تبادل لوایح را باید در زمره ورودیهای نظام قضایی طبقه‌بندی کرد.

۴- خروجیها

نتیجه عملکرد دستگاه قضایی و قضاوت قاضی در صدور برخی احکام قضایی و قرارهای قانونی مشاهده می‌شود. قرارهایی مانند قرار منع یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت یا مجرمیت در دعاوی کیفری و قرارها و احکام دیگری در حوزه امور حقوقی، از جمله خروجیهای نظام قضایی کشور است. ترسیم روشنی از عملکرد نظام قضایی کشور را می‌توان در جدول صفحه بعد دید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(جدول شماره ۱)
اجزاء و عملکرد نظام قضایی کشور

خروجیها	فرآیند قضا	ورودیها	اهداف	سیستم
<p>۱- احکام قضایی ۲- قرارهای قضایی</p>	<p>۱- فرآیند قضا ۲- فرآیند صدور حکم ۳- فرآیند رسیدگی ۴- فرآیند اجرای احکام ۵- فرآیند رسیدگی به شکایات ۶- فرآیند رسیدگی به شکایات ۷- فرآیند رسیدگی به شکایات ۸- فرآیند رسیدگی به شکایات ۹- فرآیند رسیدگی به شکایات ۱۰- فرآیند رسیدگی به شکایات</p>	<p>۱- قوانین و دیگر مقررات لازم الاجرا ۲- قضات و وابستگان اداری و غیراداری (مانند کارشناسان رسمی) قوه قضایه، هیأت منصفه (در جرائم سیاسی و مطبوعاتی) و ضابطین قوه قضایه. ۳- مردم (به مثابه طرفین اختلاف و یا کسانی که با مسائل و امور حسبه طرفند و یا از آن اثر می‌پذیرند) و وکلای ایشان (وکلای دادگستری). ۴- جمع آوری ادله و تحقیق</p>	<p>تأمین حقوق همه جانبه افراد و یا پاسداری از حقوق مردم از طریق: ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات و حل و فصل دعاوی و رفع خصومات (اصل ۱۵۶- بند ۱) ۲- اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه را قانون معین می‌کند. (اصل ۱۵۶- بند ۲)</p>	<p>قضای</p>

ب - چستی امنیت قضایی

در بحثهای مربوط به امنیت ملی، معمولاً به ابعاد ذهنی و عینی مفهوم امنیت پرداخته می‌شود. بعد عینی امنیت ناظر بر ویژگیها و شرایط خارجی است که به مثابه شاخصهای ظاهری امنیت شناسایی شده‌اند. اگر نیروهای نظامی کشور همسایه فاقد سلاحهای تهاجمی قوی باشند و یا این که سلاحهای هسته‌ای در اختیار نداشته باشند، احتمال آسیب‌پذیری خود را در این زمینه کمتر خواهیم دانست و در این وادی خود را امن‌تر می‌دانیم. ارزیابی صورت گرفته، در این حالت ناظر بر بود یا نبود یک شاخص عینی خارجی است که در حکم یک متغیر در ارزیابیهای ما وارد می‌شود. همچنین کاهش میزان بیکاری یا کاهش آشوبهای خیابانی را می‌توان از مصادیق عینی بهبود شرایط عینی کشور دانست.

در مقابل، بعد ذهنی امنیت، ناظر بر احساسی است که در کنش‌گر نسبت به ایمن بودن یا نبودن خود، ایجاد می‌گردد. اگرچه انتظار می‌رود میان ابعاد عینی و ذهنی امنیت، تلازم منطقی وجود داشته باشد، با این وصف ویژگیهای روانی حیات انسان، گویای این واقعیت است که در عمل این احتمال می‌رود که چنین تلازمی دیده نشود. چه بسا که شرایط عینی نمایانگر بهبود اوضاع امنیتی کشور باشد، حال آن که مردم یا نخبگان آن کشور (به هر علت) احساس مساعدی در این زمینه نداشته باشند. بالعکس ممکن است شرایط عینی مبین نامساعد بودن اوضاع امنیتی کشور باشد، حال آن که مردم یا نخبگان چنین احساس نداشته باشند.

بی‌اعتنایی به ابعاد ذهنی، با این توجیه که معادل خارجی ندارند، می‌تواند اسباب پشیمانی را فراهم سازد، چرا که کنش‌گران تنها براساس علل و شاخصهای عینی رفتار نمی‌کنند. حقیقت آن است که ابعاد ذهنی امنیت می‌تواند محرک افراد و دولت‌ها برای بسیاری رفتارها باشد. دولت‌ها می‌توانند به علت برخی تهدیدات موهوم و خود پنداشته، وارد جنگ گردند و برخی افراد و دولت‌ها نیز ممکن است به علت احساس مثبت خویش (علیرغم شرایط نامساعد عینی) دست روی دست گذاشته و به ناگاه امنیت خویش را از دست رفته ببینند. از این رو ابعاد ذهنی امنیت را با این توجیه که پندارهایی بیش نیستند، نمی‌توان نادیده گرفت.

حال براساس آن چه از اجزاء و عملکرد نظام قضایی به دست آمد و با توجه به ابعاد عینی و ذهنی مفهوم امنیت، امنیت قضایی را می‌توان در تعریف زیر بیان کرد:

«عملکرد صحیح، به هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد.»

اگر همان گونه که اشاره شد، اهداف نظام قضایی در کشور را، تأمین و دفاع از حقوق شهروندان بدانیم، امنیت قضایی آن هنگام حاصل خواهد شد که قواعد، احکام، نهادها، سازمان و فعالان موجود در بخش قضایی کشور (مجموع ورودیها، فرآیند قضاء و خروجیهای نظام قضایی) در رسیدن به این اهداف، تلاش ورزند، از این رو اگر نظام قضایی موجود باشد و به هر علت نتواند به اهداف یاد شده نایل گردد، خواهیم گفت که به میزان محروم شدن از اهداف نظام قضایی، از امنیت قضایی محرومیم.

بخش اول تعریف، ناظر به ابعاد عینی امنیت قضایی است. در مقابل قسمت دوم تعریف (اطمینان عمومی به این عملکرد) متوجه ابعاد ذهنی امنیت قضایی است. این که آیا در عمل، نظام قضایی می تواند به دفاع از حقوق شهروندان برخیزد، مبین وجه عینی امنیت قضایی است و این که آیا شهروندان دارای چنین احساسی بوده و اطمینان خاطر کافی از عملکرد سازمان قضایی کشور دارند یا خیر، مبین وجوه ذهنی امنیت قضایی است. همین نکته به پیوند مهم میان نظام قضایی و افکار عمومی اشاره دارد. یک نظام قضایی، حتی اگر ارزیابی و برداشتهای ذهنی ناظران و مردم را خلاف بداند، نمی تواند از کنار این ارزیابیها بی اعتنا بگذرد. تأکید بر این نکته به مایوس شدن کنشگران از استیفای حقوق خویش از طریق نظام قضایی می انجامد. انتظار می رود که در این اوضاع کنشگران، پس از نادیده گرفتن نظام قضایی کشور، شخصاً وارد عمل شده و به تلاش برای کسب حقوق خویش دست زنند. اگر شاخصهای عینی حاکی از این واقعیت باشند که دستگاه قضایی کشور توان دفاع از حقوق شهروندان را ندارد و یا اگر این احساس در شهروندان نضج گیرد که نظام قضایی کشور از توان لازم برای احقاق حقوق ایشان بهره مند نیست؛ با فقدان امنیت قضایی مواجه خواهیم بود. در این شرایط احتمال می رود که مردم از مراجعه به این نظام، جهت احقاق حقوق خویش (در مورد اختلاف) صرف نظر کنند.

قید «عملکرد صحیح» نظام قضایی در تعریف، منجر به تمایز حق از غیر حق گردیده و این امکان را فراهم می آورد تا پس از شناسایی حقوق، آنها را به صاحبانشان مسترد داشت. در این حالت انتظار می رود که مدعیان غیرواقعی حقوق با پاسخ منفی سیستم قضایی مواجه شوند، همچنان که انتظار می رود تا صاحبان حقوق نیز به حقوق خویش دست یابند.

از آنجاکه در بسیاری موارد، عنصر زمان به نحو مؤثری در نتایج حاصل از اختلافات قضایی وارد می‌گردد و می‌تواند به منزله یک متغیر پر هزینه شناسایی شود، قید «به هنگام» در تعریف وارد شده است تا بر نقش عملکرد به موقع نظام قضایی در اکتیویتی حقوق کنش‌گران و امنیت قضایی ایشان، تأکید ورزد. در مواردی طولانی شدن دوره احقاق حق می‌تواند (مثلاً از طریق کاهش ارزش پول و یا عدم‌النتفع ناشی از در دسترس نبودن آن) به استهلاک حقوق وی بیانجامد. به علاوه تأخیر در اقدام به موقع دستگاه قضایی ممکن است اهمیت و موضوع مورد اختلاف را در ذهن وی دچار دگرگونی کرده و از ارزش آن بکاهد. برای مثال اگر فرض کنیم که قاتلان فرد خاصی پس از گذشت سالیان دراز در دستگاه قضایی محکوم شوند، نباید انتظار داشته باشیم که اولیای دم همان احساس را از این حکم داشته باشند که اگر حکم در هفته‌ها و ماههای نزدیک به وقوع جرم صادر می‌شد، می‌داشتند. در واقع احساس امنیت و اطمینان ناشی از صدور حکم در ایام نزدیک به وقوع جرم به مراتب قوی‌تر از حالتی است که میان وقوع جرم (و هر حرکت غیر قانونی دیگری) و صدور حکم فاصله زیادی وجود داشته باشد. در این دو حالت، نباید انتظار داشت که احساس امنیت قضایی ناشی از صدور حکم و جرم، از وزنی یکسان برخوردار باشند.

«عملکرد بدون تبعیض نظام قضایی» نیز شرط دیگری برای حصول به امنیت قضایی است. عملکرد صحیح و به هنگام دستگاه قضایی در برخی موارد و عملکرد غیر صحیح یا دیر هنگام در موارد دیگر، امنیت آفرین نیست. وجود تبعیض در شیوه عمل و فرآیند قضاوت و احکام صادره نه تنها برخی شاخصهای عینی امنیت قضایی را زایل می‌کند، بلکه از طریق تأثیرگذاری منفی در ذهنیت مردم، اطمینان را از اذهان ایشان فراری می‌دهد. تبعیضهای مصداقی (که قاضی یا دیگر اصحاب قوه قضاییه انجام می‌دهند) و نوعی (که اغلب از طریق برخی امتیازهای قانونی و براساس مصوبات مجالس مقننه وضع می‌گردند) می‌توانند آثار عمیقی در کنش متقابل مردم و دستگاه قضایی برجای بگذارند. (۱۰)

ج - مصداق پژوهشی: پرونده خفاش شب

نگاه عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی کشور و به ویژه پس از دادگاه شهردار تهران، رو به فزونی نهاده است. اکنون به نظر می‌رسد که مشی و عملکرد سازمان قضایی کشور

با توجه شمار زیادی از مردم همراه شده است. از این رو سطح مباحث و پیگیریهای مربوط به نظارت و حساسیت نسبت به عملکرد سازمان قضاء افزایش یافته است. از آن جا که یکی از راههای توجه و دقت در عملکرد نظام قضایی کشور، مطالعه برخی مصادیق می باشد، تصمیم به بررسی و نقد یکی از پرونده های مهم و پر سر و صدای چند سال اخیر گرفتیم، تا کیفیت و شیوه عملکرد سازمان قضایی کشور، مورد سنجش قرار گیرد. با این نگاه و به علت حساس بودن فضای عمومی کشور نسبت به مسایل سیاسی، ارجح آن دیدیم که یک پرونده غیرسیاسی را برگزینیم تا احتمال دقت در ارزیابیهایمان و ارزیابی خوانندگان کاستی نگردد. گزینش پرونده معروف به «خفاش شب» نتیجه این فعالیت بوده است. (۱۱)

پیش از ورود به بحث، یادآوری این نکته ضروری است که مقصود نگارنده از بررسی این پرونده بیان بیگناهی متهم پرونده نیست؛ از این روی هرگونه برداشتی از کلام نگارنده که متضمن این معنا باشد، خلاف دیدگاه راقم این سطور است. بحث جاری (امنیت قضایی) نسبت به این موضوع و موضوعات مشابه لافقتی است. تمام ادعا در همین نکته نهفته است که تدابیر و اقدامات غیر نوعی، حتی اگر مبتنی بر واقع و نفس الامر نیز باشد، در درازمدت زایل کننده امنیت قضایی و نتایجی است که از عملکرد دستگاه قضایی انتظار می رود. با این توضیح به بررسی مختصری از پرونده معروف به خفاش شب می نشینیم. فرضیه ما این است که بسیاری از قواعد و تأسیسات امنیت قضایی، پس از شکل گیری این پرونده و در جریان رسیدگی به آن، مورد توجه قرار نگرفته اند. به نظر می رسد که در جریان رسیدگی به این پرونده و در نتیجه برخی عوامل بیرونی، بسیاری از حقوق متهم مراعات نشده است. در واقع مجرمیت وی، پیش از جریان رسیدگی در دادگاه بر همگان (از جمله قاضی و وکیل مدافع) محرز شده بود. به همین دلیل و با توجه به تعریف امنیت قضایی، نمی توانیم روند کلی رسیدگی به این پرونده را متضمن «امنیت قضایی» بدانیم.

توضیح آن که «عملکرد صحیح» در بسیاری از کنشها علیه متهم پرونده وجود نداشته است. این عملکرد هم در ورودیه های نظام قضایی و هم در فرآیند رسیدگی قضایی و هم در نحوه اجرای حکم قابل مشاهده است.

غلامرضا خوش رو که در تیرماه ۱۳۷۶ دستگیر شده بود متهم به چند فقره آدم ربایی، قتل و تجاوز به عنف بوده است؛ پرونده کیفری وی ظرف کمتر از دو ماه مراحل تحقیق،

رسیدگی، صدور حکم را پشت سر گذاشت و سرانجام با تأیید شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور، متهم مجرم شناخته شد و حکم صادره (قصاص و چند مورد مجازات دیگر) در مورد وی اجرا گردید. اکنون به برخی ایرادات و شبهات که می‌تواند درباره رسیدگی به این پرونده مطرح گردد، می‌پردازیم:

در زمینه تحقیقات مقدماتی:

«حتی در همان شبهای اولیه پس از دستگیری که چهره او از صفحه تلویزیون پخش می‌شد، آثار زخم بر سر و صورت او به خوبی نمودار بود.» (۱۲)

این در حالی است که متهم ادعا کرده بود که در جریان تحقیقات مقدماتی شکنجه شده است (۱۲) در جریان رسیدگی، متهم منکر اتهامات انتسابی به خود گردید؛ اما این انکار مورد توجه قرار نگرفت؛

«نامبرده در محضر دادگاه منکر اتهامات انتسابی گردید. خانواده مقتولان انکار متهم را به شدت رد کردند و همه‌ی زیادی فضای دادگاه را پر کرد... قاضی دادگاه برای آرام کردن مردم گفت ما نیازی به اقرار متهم نداریم. دلایل کافی و علم قاضی هم از جمله دلایلی است که اتهام متهم را ثابت می‌کند.» (۱۴)

در جریان رسیدگی، شاکیان به بیان کلمات توهین‌آمیز نسبت به متهم می‌پرداختند. (۱۵) و قاضی از این اقدام ممانعت می‌کرد. جالب‌تر این که قاضی پرونده نیز، خود در مواردی از متهم پرونده با عنوان «جنایتکار» یاد می‌کرد (۱۶). همچنین حکم صادره به خانواده مقتولان (شاکیان پرونده) ابلاغ نگردیده و مستقیماً جهت تأیید به دیوان عالی کشور ارسال شده است. (۱۷)

در اجرای حکم شلاق، از رویه‌های موجود تبعیت نشده است و اجرای مجازات شلاق به اولیای مقتولان واگذار شده است. (۱۸)

و جالب‌تر این که، وکیل تسخیری متهم، عملاً دفاعی از متهم به عمل نیاورده است، شاید نگاهی به آن چه وکیل تسخیری متهم در پاسخ به چند سؤال گفته است، سودمند باشد. وی در پاسخ به این سؤال که متهم در جلسه دادگاه ادعا کرد که او را کتک زده‌اند، چرا در مقام وکیل در این زمینه از او دفاع نکردید، می‌گوید:

«چون احتمال صدق نمی‌دادم. وکیل باید برای دفاع از هر ادعایی، احتمال صدق بدهد. او اگر واقعاً مرتکب جرایم نمی‌شد، زیر شکنجه هم اعتراف نمی‌کرد.» (۱۹)

ایشان در پاسخ به سؤالی که به هر حال این فرد در جلسات دادرسی در جایگاه متهم بود، نه محکوم. شما در مقام وکیل به دفاع نپرداختید، می‌گوید:

«درست است که متهم در معرض اتهام بود، ولی جرایم او ثابت شده بود و عقلای مردم او را مستوجب ملامت می‌دانستند. همان طور که در جلسه دادگاه شاهد بودید، توده مردم او را مستوجب سرزنش می‌دانستند.» (۲۰)

در مورد قید «به هنگام» از تعریف امنیت قضایی، اگرچه به نظر می‌رسد که سرعت رسیدگی به آن پرونده در حد و میزان مناسبی قرار داشت؛ با این وصف در این زمینه، مراعات اصل «عدم تبعیض» نشده است. فاصله کمتر از دو ماه میان دستگیری متهم و اجرائی حکم وی، فاصله‌ای است که در پرونده‌های مشابه به سختی اعمال می‌گردد. در واقع، با قدری تردید می‌توان ادعا کرد که از طریق تسریع در رسیدگی و اجرای حکم متهم (برخلاف دیگر موارد مشابه و رویه عمومی دستگاه قضایی کشور) بخشی از امنیت قضایی متهم پایمال شده است.

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که اگر چه به نظر می‌رسد در این پرونده، حقوق صاحبان حق، از طریق مجازات متهم استیفاء شده است، با این وصف، روند طی شده از طریق نادیده گرفتن سازوکارهای نوعی، امنیت قضایی مورد نظر را فراهم نکرده است؛ و باید گفت که تأمین موردی حقوق افراد را نمی‌توان امنیت قضایی نام نهاد.

نتیجه‌گیری: محورهای اصلی پژوهش در امنیت قضایی

از تعریف ارائه شده از امنیت قضایی، نقش و اهمیت اهداف نظام قضایی کشور از یکسو، و ورودیها، فرآیند قضاء و خروجیهای نظام قضایی کشور از سوی دیگر، روشن گردید و بررسی کوتاهی از اهداف نظام قضایی کشور به عمل آمد. با این حال بررسی دقیق‌تری از جایگاه وضعیت ورودیها، فرآیند قضاوت و خروجیهای نظام قضایی کشور لازم است. این مقاله اگر چه ظرفیت پرداختن به ابعاد دقیق این مسایل را ندارد، با این وصف تلاش می‌کند تا در قالب برخی سؤالات، اهمیت و جایگاه عوامل یاد شده را به پرسش کشد. در واقع پاسخگویی به سؤالاتی که در جدول زیر آمده است به ما این امکان را می‌دهد تا وضعیت امنیت قضایی در کشور را به بحث و آزمون کشیم.

جدول شماره (۲)

مهمترین حوزه‌های پژوهشی مطروحه در خصوص امنیت قضایی جمهوری اسلامی ایران

موضوع پژوهش	محور اصلی	سؤالات اصلی
مردم	خواهان	۱- مردم در مقام صاحبان حقوق و تکالیف به چه میزان از حقوق قضایی خود مطلعند؟ ۲- میزان استفاده مردم از خدمات وکلا چقدر است؟ ۳- افکار عمومی چیست و تأثیر آن بر قضا و قضات چگونه است؟
	متهم	۱- حقوق متهم، تشریفات رسیدگی و نظم عمومی در فرآیند قضا چیست؟ ۲- اصل بر مجرمیت است یا برائت؟ ۳- آیا می‌توان در غیاب متهم به اتهامات رسیدگی کرد؟
	وکیل	۱- سطح علم و دانش و عملکرد سالم وکلای دادگستری در چه حدی است؟ ۲- امکانات رفاهی و خدماتی وکلا چه میزان است و تأثیر آنها بر مراجعه مردم به وکلا چیست؟
نیروی انسانی	قاضی	۱- میزان دانش، مهارت، مهارت قضات تا چه حد است؟ ۲- قاضی حقوق دان است یا فقیه یا مجتهد؟ ۳- اگر قاضی مجتهد باشد و نظر اجتهادی خویش را مبنای حکم قرار دهد، تکلیف قوانین ماهوی و اطلاع مردم از حقوق و تکالیف‌شان چه می‌شود؟ ۴- آیا قاضی می‌تواند علم خویش را مبنای صدور حکم قرار دهد؟
	هیأت منصفه	۱- آیا هیأت منصفه را در مقام عمل می‌توان نماد وجدان عمومی دانست؟
دستگاه قضایی	قانون	۱- قوانین ماهوی تا چه میزان با عدالت نفس‌الامری مطابقت دارد؟ ۲- میزان مطابقت قوانین با تحولات و نیازهای زمان چقدر است؟ ۳- آیا قوانین قبل از اجرا منتشر می‌شوند؟ ۴- آیا می‌توان با برخی قوانین و محورهای موردی و عام برخورد کرد که مبنای صلاحیت عمل قاضی باشد، در حالی که مردم از آنها اطلاعی ندارند؟ ۵- تأثیر فقر قانون یا تراکم قوانین در نایل شدن به اهداف نظام قضایی و امنیت ناشی از آن چیست؟
	ضوابط قضایی	۱- میزان تأثیر وابستگان اداری قوه قضاییه بر فرآیند قضاوت تا چه حد است؟ ۲- میزان تأثیر قاضی از سایر بخشهای مالی و اداری در دستگاه قضایی چگونه است؟
نیروهای غیرقضایی		۱- تأثیر نیروهای سیاسی و غیرسیاسی خارج از قوه قضاییه (از جمله افکار عمومی) بر عملکرد و رفتار قاضی تا چه حد است؟

موضوع پژوهش	محور اصلی	سؤالات اصلی
	اداری	<p>۱- آیا تفکیک میان قضاوت و مرحله جمع آوری ادله و تفکیک سازمانی میان آنها، کمکی به نایل شدن به اهداف نظام قضایی و امنیت ناشی از آن می‌کند؟</p> <p>۲- مفهوم استقلال قاضی چیست؟ و چه نسبتی با اهداف نظام قضایی دارد؟</p> <p>۳- آیا استقلال می‌تواند نافی تشریفات قضایی و ورودیهای نظام قضا باشد؟</p> <p>۴- استقلال قضا همان استقلال قاضی است؟</p> <p>۵- آیا ساختار قضایی از سرعت و دقت لازم برخوردار است؟</p> <p>۶- رسیدگی با یک قاضی یا چند قاضی کدام یک ضریب امنیتی بالاتری دارد؟</p>
ساختار قضایی		
حقوقی (تشریفات)		<p>۱- نسبت میان قاضی و طرفین اختلاف در فرآیند قضا چگونه باید باشد؟</p> <p>۲- تأثیر برداشت ما از استقلال قاضی بر نوع رابطه بین قاضی و طرفین اختلاف چیست؟</p> <p>۳- آیا ادله جمع آوری شده براساس مقررات شکلی موجود جمع آوری گردیده‌اند؟</p> <p>۴- آیا می‌توان به ادله جمع آوری شده از راه غیرقانونی استناد کرد؟</p>

یادداشتها

- ۱- کار، مهرانگیر، «امنیت قضایی زنان ایران»، ایران نامه، سال ۱۵، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۶
- ۲- هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، مبانی و کلیات، چاپ اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۶
- ۳- هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ اول، تهران. دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۵۰۱
- ۴- نوروزی، کامبیز، «امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران»، (گزارش پژوهش) تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، ص ۳
- ۵- جزایری شریعتمدار، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم، تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۶
- ۶- همان جا، صص ۲۶-۷
- ۷- روزنامه همبستگی، شماره ۶۷، ۱۳۷۹/۱۰/۱۰
- ۸- این جدول و مفاهیم وابسته به آن از منبع زیر اقتباس شده است:
Ralph M. Stair, **Principles of Information Systems; A Managerial Approach**, Boston, Boyd and Fraser, 1992, P7.
- ۹- برای مطالعه در مورد مفهوم حسبه و محدوده مفهومی آن، رک: سیف‌اله صرامی، حسبه یک نهاد حکومتی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷. رویکردهای مؤلف این کتاب در مواردی با تلقی رایج از مفهوم حسبه (و از جمله رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) متفاوت است.

۱۰- حتی اگر تصویب و اعمال برخی از این تفاوتها ناشی از ملاحظات علمی، اجتماعی و یا مذهبی باشد، با این وصف نمی‌توان منکر تأثیر آن بر بسیاری از اذهان شد. ادعای مکتب دفاع اجتماعی مبنی بر توجه به ویژگیهای خاص هر مجرم در تعیین مجازات (که البته ادعای معقول و بسندیده‌ای است) می‌تواند به تدوین برخی تدابیر قانونی ختم شود که از قضا قاضی خاصی آن را مبنای عمل تبعیض‌آمیز و غیر عادلانه قرار دهد. همچنین تفاوت شدید میان برخی از مجازاتهای شرعی، مانند مجازات محاربه که طیف وسیعی از شدیدترین مجازاتها (اعدام) تا مجازاتهای بسیار رقیق‌تر (تبعید) را در برمی‌گیرد (ماده ۱۹ و ۱۹۱ قانون مجازات اسلامی) می‌تواند این امکان را فراهم سازد تا قاضی را در گرداب برخی فشارهای خارجی (نزدیکان منتهم‌شدگان به محاربه) قرار داده و احتمال فساد دستگاه قضایی را افزایش دهد.

۱۱- این داده‌ها تماماً از منبع زیر اخذ شده است:

- مجله حقوق و اجتماع، سال اول، شماره سوم، مرداد و شهریور ۱۳۷۶.

۱۲- همان جا، ص ۴۰.

۱۳- همان.

۱۴- همان جا، ص ۲۷.

۱۵- همان جا، صص ۲۷ و ۴۰.

۱۶- همان.

۱۷- همان جا، ص ۴۰.

۱۸- همان جا، ص ۵۰.

۱۹- همان جا، ص ۴۲.

۲۰- همان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی